

مبارزه برای افزایش دستمزدها، از مبارزه علیه اضافه کاری جدانیست! صفحه ۳



قر دادن جناب وزیر روی حساب امنیت

فواد عبدالمولی

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی گفت: "در حالیکه کشورهای منطقه در ناامنی به سر میبرند هم اکنون ایران اسلامی از یک امنیت بی بدیل و پایدار مردمی در منطقه برخوردار است و این از الطاف الهی است..." و ادامه میدهد: "شرط ارتقاء سطح امنیت به قدم برداشتن در راه رفاه و معیشت مردم بستگی دارد..."

۱- "الطاف الهی"، ترهات است؛ بقاء نظام جناب وزیر تنها به بحران و ناامنی تنیده شده در خاورمیانه نفس میکشد. اوضاع بی ثبات منطقه، آن مستمسکی است که به حکم آن، هنوز حاکمیت استبداد و خفقان در ایران به حیات خود ادامه میدهد. شرایط مخربی که مردم را در برابر حکومت های حاکمه از تهران و سنجند تا آنکارا و لندن و پاریس به تسلیم در مقابل وضع موجود کشانده است. حرفهای وزیر اطلاعات رژیم که "زلالی" نظام و "امنیت پایدار" اش را به نسبت اوضاع سوریه و در قیاس با "داعش"، هوا میکند، نباید جدی گرفت.

چنین اظهاراتی بی اختیار آدم را یاد فیلم خوب، بد، زشت (سرجیو لئونیه) می اندازد. شخصیتها مدام به هم رودست می زنند، یکدیگر و تماشاگر را فریب میدهند، غافلگیر میکنند و به هم دروغ میگویند و کارگردان لحظه به لحظه به ما ... هیچ چیز ثبات ندارد، رابطه ها و جایگاه ها به سرعت تغییر شکل میدهند و کاراکترها رنگ عوض میکنند. ... صفحه ۳

حداقل دستمزدها؛ بحث را کجا باید متمرکز کرد؟

امان کفا



سال ۹۴ به پایان رسید و طبق روال هرساله همچون زمستان، دور حداقل دستمزد یکبار دیگر در جامعه مطرح شد. دوری که با برگزاری جلسات سه گانه دولت و کارفرمایان و نمایندگان خودگمارده کارگری به نام حداقل دستمزد به همه ابلاغ گردید. دستمزد پایه "افزایش یافت". بار دیگر دو معیار، خط فقر و تورم، مهم ترین و تعیین کننده تر از هر میزان دیگری مورد مشاجره قرار گرفت. دو معیاری که هر دو توسط سرمایه و دولتت و نهادهای رسمی آنان اندازه گیری شده و از پیش اعلام

دقت نمایندگان شرکت کننده در جلسات سه گانه درود فرستادند! در این میان، باز هم کارگر ماند و دستمزد پایه ابلاغ شده. "علی ماند و حوض اش!"

شده بود، از قرار مرکز تمامی اختلافاتی بود که صفوف موافقین و مخالفین، و مرز تعیین کننده دوری و نزدیکی جریانات چپ و کارگری، مدافعان و مخالفان کارگر، و ... معرفی شدند. این گونه صفتبندیها، حساسیت ها، دوری و نزدیکی ها، مدافع و مخالف بودن ها، و غیره، همه و همه عینا سال های قبلی ابراز شوند. برخی به کم بودن این افزایش دستمزد، به بی توجهی دولت و کارفرمایان ایراد گرفتند و برخی دیگر به طرفداری از دولت و به همان درجه به احساس مسئولیت و این کشور نیست. ... ←

بیانیه حزب کمونیست کارگری کردستان در مورد اعلام "فدرالیسم دموکراتیک" در غرب و شمال سوریه

روز پنجشنبه ۱۷ مارس ۲۰۱۶ در شهر رومیلان در سوریه، در کنفرانسی با شرکت نمایندگان و نیروهای سیاسی و شهروندان هر سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین، نظام "فدرالیسم دموکراتیک" در شمال و غرب سوریه اعلام شد. بنا به اعلامیه ای که در اینباره صادر شده، شیوه اداره جامعه بر اساس آزادی زنان و شیوه اداره امور بطور مستقل و با اتکا به خود دو پرنسپ پایه ای حاکمیت خواهند بود. مسولان پی.د که حزیشان بیشترین نفوذ و اقتدار در آن منطقه را دارد و به عنوان صاحب این پروژه ظاهر شده اند، اعلام کرده اند که سیستم فدرالی در این منطقه، بر اساس قومیت نخواهد بود بلکه یک فدرالیسم منطقه ای است که شامل حال همه شهروندان این منطقه از جمله شهروندان کرد و عرب و ترکمان و آشوری و ... است که جمعیت این منطقه را شکل داده اند. بدون شک مبارزه و سد بستن مردم این منطقه علیه سازمان وحشی و افسارگسیخته داعش و اسلام سیاسی، جلوگیری از تحمیل سناریوی سیاه و جنگ داخلی در این منطقه از سوریه، تصویب حقوق زنان و دوری کردن از برجسته

کردن هویت قومی و دسته بندی نکردن شهروندان بر اساس هویت کاذب مذهبی - قومی، از جمله دستاوردهایی است که مردم در این منطقه کسب کرده اند و باید از آنها حراست کرد.

مستقل از اینکه نیروهای پشت بیانیه اخیر به دنبال کدام منفعت سیاسی باشند، و همچنین مستقل از گوشه زوایای منفی سیستم فدرالی - حتی اگر قومی هم نباشد - ... ← صفحه ۴

قتل عام در بروکسل؛ هدف بعدی کجاست؟

صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

حداقل دستمزدها...

برسیمت شناختن این اصل است که میزان حداقل دستمزد، در واقع نه ربطی به خط فقر متعین شده توسط دولت و نهادهایش دارد و نه ربطی به نیاز کارگر و طبقه کارگر در ایران. حداقل دستمزد، تنها و تنها بیان رابطه و جلوه ای از توازن قوای واقعی از یک مبارزه دائمی دو طبقه اصلی جامعه است. این اصل برای بورژوازی کاملاً واضح و مفروض است. تنها مفسران سرمایه و اقتصاددانان نان به نرخ روز خور هستند که با بیان "توان" کارفرما، اقتصاد کشور، نیازهای سرمایه و غیره تلاش میکنند که به کارگران بقبولانند که برای رسیدن به رقم "حداقل دستمزد" بسیاری حساب کتاب های پیچیده و جدول های متعدد در رابطه با آینده کشور و بودجه بندی های گوناگون به کار گرفته شده اند. این کلاه گشادی است که میخواهند سر طبقه کارگر بگذارند.

حداقل دستمزد، به هیچ یک از فاکتورهای بالا و محاسبات مفسرین و کارشناسان و اقتصاددانان بورژوازی مربوط و وابسته نیست. حداقل دستمزد، تنها منتج از توازن قوا در یک رابطه انتاگونیستی در جامعه است. به این ترتیب، نمی توان چاره را در بحث های عمومی و مجادلات بر سر میزان خط فقر و تورم و ... جست. بایستی به همین رابطه و توازن، یعنی توازن قوا بین طبقه کارگر و بورژوازی و دولت نماینده آن، در همین مقطع مشخص زمانی، یعنی در پایان سال ۹۴ رجوع کرد.

باید پاسخ را در همین جامعه ای جست که دولت اعتدالش در بی افقی کامل بسر می برد. تمامی طرح های بهبود اقتصادی و سیاسی شان شکست خورده است و هیچ توهمی نسبت به جناح های حاکمیت قادر به ساکت کردن و جلوگیری از اعتراضات وسیع نبوده است. پاسخ را باید به جامعه ای داد که در عرض یکسال گذشته در آن هزاران هزار اعتراض کارگری رخ داده است. با این وجود، چگونه است که هنر این دولت و کارفرمایان قادر شده اند که یک چنین حداقل دستمزدی را تصویب کنند؟

این آن سوالی است که روی میز ما و هر کارگر کمونیستی قرار دارد. پاسخی که در این مدت اخیر بیش از پیش محوری شده است و تاکیدهای زیادی بر آن شده است، حول تشکل های سراسری بوده است. بدین معنی که برخی دلیل عدم دستیابی به حداقل مورد قبول را در نبود تشکلات سراسری کارگری می دانند. از این منظر، حداقل دستمزد مورد قبول، بدون تشکل سراسری کارگران ناممکن است. از طرفی دیگر، بخشی در مخالفت با این تعبیر، تعیین میزان حداقل دستمزد را مبنا قرار داده و اعلام داشتند که با طرح شعار "سه میلیون و نیم تومان" بمثابة خواست سراسری کارگران، راه دستیابی به مبارزه سراسری و تشکلات سراسری نیز فراهم می شود. حجم زیادی مقاله و اعلامیه حول این دو جنبه مطرح شده است که با وجود برخوردهای انتقادی به یکدیگر، در واقع همان داستان مرغ و تخم مرغ را بیان می کنند: اول تشکل سراسری یا اول خواست معین برای درست کردن تشکل سراسری! در واقع هیچکدام از این دو برخورد در قبال حداقل دستمزد، پاسخی برای طبقه کارگر که راهگشا باشد نشان نداده اند. این امر بیش از همیشه امروز مشخص است. چه بسا که بوجود آمدن تشکل سراسری کارگران، و انهم تشکلی که قادر به پس زدن و جایگزین کردن حداقل دستمزدی مورد قبول کارگران (حتی در همان سطح اعلام شده سه و نیم میلیون تومان) باشد، خود به معنی شرایط دیگری در ایران و به معنی تغییر توازن قوا به نفع طبقه کارگر است. شرایطی که در آن مسلمان دستمزد کارگران بمراتب از اندازه امروز بیشتر بوده است! این به معنی تحمیل، شرایطی است که در آن هنوز کارگر برای گرفتن دستمزد معوقه خویش در خیابان تظاهرات نمی کند!

انتظار گرفتن چنین حداقل دستمزدی، آنهم در شرایط امروز ایران، آنهم طی چانه زنی و بحث با شورایعالی کار و کارفرما و نماینده دولت، بیش از هر دوره ای، نشانی از توهم به موقعیت بالفعل طبقه کارگر دارد. آنهم با در نظر گرفتن درجه تشکل امروز این طبقه!

بی جهت نیست که دو برخورد فوق حول دو قطبی "مطالبه دستمزد بالا تر" یا "تشکلات سراسری" از جانب نیروهایی مطرح است که مشغول سازماندهی کارگر، بمثابة یک طبقه، نیستند. امروز بیش از هر دوره دیگری مسلم است که دستیابی به حداقل دستمزد مورد قبول کارگران، دستمزدی درخور انسان قرن بیست و یکم، در گرو قدرت و اظهار وجود و آگاهی ذهنی طبقه کارگر و تشکل حزبی و کمونیستی اوست. پیشروی واقعی در عرصه دستمزد حداقل، دستیابی به حداقل مورد قبول کارگر، در گرو دخالت و سازماندهی کمونیستی و متحزب کارگری است.

انتظار دریافت حقوقی مورد قبول بدون قدم گذاشتن رهبران کارگری در این عرصه، بدون بوجود آوردن نیرویی که قادر به عقب راندن سرمایه و دولتش باشد، توهمی بیش نیست. راه حل، و پاسخ در قدم گذاشتن و حرکت کارگران کمونیست در این عرصه است. این راهی است که بایستی دنبال کرد و اتحاد کارگران و به این معنی، ابراز وجود طبقاتی آنان است که می تواند این دور باطل مذاکرات حول حداقل دستمزد را

یکبار و برای همیشه به زیاله دان تاریخ پرتاب کند. امروز روز متشکل شدن و اتحاد طبقاتی و حزب کمونیستی است. مسجل کردن و تامین این نیاز وظیفه حزب ما و کمونیست های کارگری است. این واقعی ترین و عملی ترین راهی است که میتوان با گام گذاشتن در آن، بطور عملی طبقه کارگر را در موقعیتی قرار داد که قادر باشد بعنوان یک طبقه، علاوه بر بیانیه ها و اعلامیه ها، رویاروی کارفرما و دولت، خواست های سراسری خود را به آنها به زور خود تحمیل کند.

در عین حال، تا جایی که به توقع و انتظار برمیگردد، پاسخ طبقه کارگر به حداقل تعیین شده دولت و کارفرما، انتظار حداقل دریافتی همان کسانی است که بعنوان نماینده کارفرما و وزارت کار و دولت پشت میز مذاکره می نشینند. طبقه کارگر با این توقع باید به هراندازه که توان و نیروی اتحاد و آگاهی هر بخش از کارگران امکان آن را فراهم میکند، به دریافتی های خود، به شکل دستمزد، بیمه بیکاری، خدمات اجتماعی و درمانی و مسکن و ... به زور اعتراض و مبارزه خود، اضافه کرد.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

**«شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران»
را بدست گیرید!**

کردن جناب وزیر...

انگار جامعه روی حباب زندگی میکند. میگویم "روی حباب" چراکه شرایط چه خوب، چه بد، ترد و شکننده است. نمیتوان از "اکنون" تکیه گاه و سکوی پرتابی برای رسیدن به "آینده" ساخت. کاراکترهای لثونه "در حباب" زندگی میکنند، چراکه حصار مصونیت شان با کوچکترین تلنگر، فرو می ریزد و آنان را در مقابل واقعیت بیرحم و تازه شکل گرفته قرار می دهد.

۲- گفتم که در دنیای اسپاگتی لثونه وضعیت پایدار وجود ندارد. حال آن را با دنیای آقای وزیر و نمایش "امنیت" ایشان مقایسه کنید. با تو زرد از آب درآمدن "گشایش سیاسی و اقتصادی" دولت اعتدال و به ته رسیدن برجام، تلاش برای بقاء جمهوری اسلامی و توجیه ادامه فضای صبر و اعتدال با بیرق

"امنیت پایدار ایران در منطقه"، تنها مختص به جناب وزیر و سران و دست اندرکاران نظام نیست؛ طبیب باشیها و حکیم باشیهای طیف اپوزیسیون پرو رژیم همچون حزب توده - اکثریت، بی بی سی، گنجی ها، نگهدارها، بنهدها و بنی صدرها و خیل ملی - مذهبی ها، گوی سبقت را در رفوکاری و روتوش نمای سرتاپا چرکین این رژیم، از وزیر اطلاعاتش هم بروده اند. اما نمیتوان تا ابد پشت حصار "امنیت"، سنگر گرفت. این ظرف هم گنجایشی دارد. آنهم وقتی به قول جناب وزیر "شرط ارتقاء سطح امنیت، به قدم برداشتن در راه رفاه و معیشت مردم بستگی" داشته باشد! با یک حساب سر انگشتی، تفاوت دریافتی امثال ایشان و صاحب منصبین در مجلس و دولت را با مزد یک کارگر مقایسه کنید! سطح دستمزد، آزادی، رفاه و معیشت طبقه کارگر و حق و حقوق مردم محروم در ایران را نیمچه

نگاهی بندازید تا متوجه خطر یک واقعیت بی رحم و در حال شکلگیری، در مقابل اظهارات پوک آقای وزیر، و ژست "امنیت پایدار" نظام ایشان شوید! در یک مقیاس اجتماعی در جامعه ایران، جمهوری اسلامی نماینده منافع بورژوازی ایران و یک پای مهندسی فلاکت، و تباهی و تحمیل استبداد خشن سیاسی به طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم جامعه ایران است.

۳- در غیاب یک انتخاب سیاسی روشن، جهت دخالت فعال کمونیستی در اوضاع جاری، جمهوری اسلامی کماکان سر نخ های بازی با معیشت، امنیت و آزادی مردم را در دست خواهد داشت. این نظام تنها لای چرخ دنده های تعرضی سیاسی جنبشی له میشود که منفعتی در قیاس جناب وزیر و نظامش با سایر دول مرتجع در منطقه ندارد. امروز کمونیستها و طبقه کارگر با یک انتخاب سیاسی سرنوشت ساز روبرو اند. انتخابی

مبارزه برای افزایش دستمزدها، از مبارزه علیه اضافه کاری جدا نیست!

نواد عبداللہی

یکی از مهمترین اقدامات عاجل که امروز در دستور کار ماست، سازمان دادن یک مبارزه نیرومند و سراسری برای افزایش دستمزدها است. در این راه باید با موانع مهمی دست و پنجه نرم کرد. مسله "اضافه کاری" از آن دسته موانعی است که به نحوی از انحاء روی مبارزه برای افزایش دستمزدها تاثیر میگذارد و باید چهارچشمی مراقب آن بود.

اضافه کاری، محصول پایین بودن دستمزدهاست. سطح پایین دستمزد، کارگر را به اضافه کاری میکشاند. چندرغاز حداقل دستمزد در ایران - ۸۱۲ هزار تومان در ماه - بهیچوجه کفاف تامین معیشت کارگر و خانواده اش را نمیدهد. با این درجه از پایین

بودن سطح دستمزدها، راهی که توسط رژیم سرمایه داری جلو پای کارگر قرار داده میشود این است که برای جبران اوضاع وخیم مالی ات، اضافه کاری کن! و مشخصا همینجاست که اضافه کاری دلیلی بر پایین ماندن سطح دستمزدها میشود. وقتی کارگر برای بالا بردن دریافتی اش، از یکسو به جان کندن و اضافه کاری وادار شود و از سوی دیگر دامنه این تاکتیک بورژوازی در صفوف طبقه کارگر گسترش پیدا کند، آنوقت است که بزرگترین ضربه به مبارزه مستقیم، متحد و سراسری بر سر افزایش دستمزدها وارد شده است. تاکتیک اضافه کاری، در حقیقت وزنه فشاری است جهت پایین ماندن و پایین آمدن

بیشتر سطح دستمزدها.

و کارگر با قرار گرفتن در این دایره بسته، عملا به دلیل پایین بودن سطح دستمزدها به اضافه کاری روی میآورد و با تن دادنش به آن، دولت و کارفرما مناسبترین موقعیت را کسب میکنند که دستمزدها را در سطح طبقه پایین نگه دارند.

از این کمین بورژوازی، تنها با اراده و اتحاد طبقاتی کارگران میتوان خارج شد. اراده و اتحادی که افزایش مستقیم دستمزدها را امر خود قرار میدهد و همزمان اضافه کاری را طرد میکند. برای بوجود آوردن این روحیه و اتحاد، باید با تمام قوا علیه اضافه کاری و در دفاع از مطالبه "برقراری فوری ۳۰ ساعت کار در هفته" کوشید.

بردن این آگاهی به صفوف طبقه کارگر، دست همه کمونیستها و پیشروان این طبقه را در محیط های کار و زندگی میبوسد.

که از هم اکنون چشم انداز سازماندهی و هدایت یک انقلاب کارگری عظیم در ایران و منطقه را در دستور کار خود میگذارد.

در راستای این امر، حزب حکمتیست همه کمونیستها، کارگران آگاه و مبارز و مردم تشنه آزادی و برابری را به عضویت در صفوف خویش فرا میخوانند.

مادام که سرمایه بر حیات

انسان ها حاکمیت دارد،

مادام که فرد برای تامین

ماینحتاج خویش ناگزیر به

فروش نیروی کار خود و

انجام کار برای سرمایه و

مالکان وسائل تولید است،

مادام که نظام مزدبگیری و

خرید و فروش نیروی کار

انسانها برقرار است، هیچ

قانون کاری، هر قدر مواد و

تبصره هایی به نفع کارگران

در آن گنجانده شده باشد،

قانون کاری به راستی آزاد و

کارگری نیست.

قانون کار واقعی کارگران،

نفی نظام مزدی و ایجاد

جامعه ای است که در آن هر

کس داوطلبانه به اندازه توان و

خلاقیتش در تولید وسائل

زندگی و رفاه همگان

شرکت میکند و به اندازه

نیازش از محصولات این

تلاش جمعی بهره میگیرد.

از "یک دنیای بهتر"

برنامه حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست

(خط رسمی)

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

قتل عام در بروکسل؛ هدف بعدی کجاست؟

فواد عبداللہی

قتل عام، ارعاب، و تامین و تضمین امنیت و رفاه و آزادی انسانها در جامعه، تنها و تنها در دست کمونیستها، طبقه کارگر و بشریت متمدنی است که قدرت را بست گرفته، علیه تروریسم دولتی به میدان آمده و همزمان آدم کشان اسلامی را متواری و در سوراخ کند.

نباید اجازه داد که تاوان شکست آمریکا و متحدین غربی تا دیروز در حمله نظامی به عراق و سوریه و لیبی، با لت و پار شدن شهروندان جهان توسط گانگسترهای مذهبی - قومی جبران شود. غرامت به گل نشستن استراتژی "نظم نوین جهانی"، تاوان بی افقی کانونهای سیاسی - ایدولوژیک دموکراسی بازار، به قهقرا بردن هر جلوه ای از دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی بشریت آوانگار، به گردن سرکردگان نظام حاکم بر جهان امروز است.

عریده های "پایان کمونیسم" برای بشریت به ارمغان آورده است. قتل عام بروکسل تنها ادامه حلقه ای از استیصال متوالی بورژوازی بین المللی در پاسخ به مسله امنیت، رفاه و برابری شهروندان در قلب جهان صنعتی غرب است. در عین حال اینگونه جنایات مستمسکی در حمله بیشتر دول غربی به شهروندان "خارجی"، عروج باندهای راست افراطی، و میلیتاریزه کردن محیط کار و زندگی مردم میشود. این تحركات تنها آتویی در دست حکامی میشود که خود کمتر از تروریسم اسلامی پرونده جنایت علیه بشریت ندارند.

کشتار دسته جمعی مردم بی گناه با هر توجیهی، حکم مرعوب کردن هر جنبنده ای است که بخواهد علیه نظم حاکم اقامه دعوی کند. شرایط جهان ما تیره تر هم خواهد شد اگر که با فراخوان سوسیالیسم، پاسخ نگیرد. پایان دادن به

است. امروز دیگر قتل عام های دسته جمعی و ناامنی در جهان غرب همانقدر صورت مسئله است که در گوشه گوشه جهان، از نیجریه و لیبی و افغانستان و پاکستان تا عراق و ترکیه و سوریه و غیره. یک اپیدمی و ناامنی سراسری و جهانی که حقیقتا نمونه آن در تاریخ زندگی بشر کم سابقه است. کمتر نقطه ای در جهان امروز سراغ داریم که از شکست سیاستهای میلیتاریستی غرب در خاورمیانه و عوارض آن به امید تخریب، تنها در یک منطقه از جهان، مصون مانده باشد. این آن منجلابی است که پیروزی غرب در جنگ سرد و

به دنبال قتل عام در پاریس، اینبار بروکسل طعمه حملات تروریسم اسلامی در اروپا شد. هدف بعدی کجاست؟ چرا این دوره از ناامنی در جهان، هراس و عقبگرد عظیم در قرن ۲۱ ظاهرا راه حلی ندارد و میروید به بخشی از زندگی "عادی" مردم در اروپا نیز تبدیل شود؟

دنیا با نگرانی شاهد رشد موجی از آدم کشی های مذهبی و قومی است که محصول بلافصل و مستقیم دو دهه دخالت نظامی آمریکا و دول غربی در منطقه، و شکست آنها در "به پیش راندن روند دموکراسی در خاورمیانه"

بیانیه حزب کمونیست ...

اما حفاظت از و گسترش دستاوردهای تاکتونی، توسط اراده متحد و سراسری مردم بهتر میسر خواهد شد که دستکم این مناطق از هم گسیخته را بر اساس قوانین پیشرو و مدنی دوباره به هم وصل و اداره کند. اما این امر نه تنها نیازی به اعلام "فدرالیسم" ندارد، بلکه با یک حاکمیت سراسری و دوفاکتو، میتوانند استقلال موقت را تا به سرانجام رسیدن اوضاع سوریه، اعلام و تاسیس کنند. چراکه این فدرالیسم یکجانبه در ابعاد سراسری، فرصتی به دخالت و تصمیم گیری مردم سایر مناطق سوریه در تعیین چند و چون حاکمیت سیاسی نمیدهد.

اوضاع وخیم منطقه، مخالفت دول ترکیه و سوریه و کل اپوزیسیون اسلامی - قوم پرست سوریه، طرح ها و نقشه های شوم شان در جهت شکستن روحیه

پیشروترین قانون کار را به تصویب برساند و یک زندگی مرفه و انسانی را برای طبقه کارگر تضمین و فراهم کند. وسیعترین آزادی های سیاسی، تشکل و آزادی احزاب را برسمیت بشناسد. حقوق شهروندی را مستقل از هر نوع گذشته انتصاب به بر نوع هویت دینی، مذهبی، قومی و نژادی در آن مناطق را تامین و برسمیت بشناسد. تنها شکلی از حاکمیت میتواند دموکراتیک و توده ای باشد که بر اساس اراده توده های کارگر و اکثریت آزادیخواه و عدالت طلب، بنا شده باشد. هر نیرو و جریان سیاسی اگر که واقعا بخواهد در راستای آزادی، تحقق امیال و آرزوهای توده مردم گام بردارد، بایستی روی اعمال حاکمیت شورایی پافشاری کند.

حزب کمونیست کارگری کوردستان

۲۶ مارس ۲۰۱۶

ترجمه به فارسی: سهند حسینی

به طور ویژه حقوق زنان در این منطقه تامین شود، نیازمند تاسیس یک نظام سکولار و غیر قومی است. آینده این منطقه در گرو دخالت بلاواسطه مردم، دموکراسی مستقیم از پایین و حاکمیت سیستم شورایی است. برعکس پالمانتاریسم و شیوه های اعمال حاکمیت دموکراسی بورژوازی که هرچهار سال یکبار توده مردم را به پای صندوق های رای میکشانند، اما سیستم شورایی دایما توده مردم را در میدان نگه میدارد و حاکمیت و قدرت مستقیم مردم را ضامن امنیت و منافع اکثریت جامعه قرار می دهد. سیستمی که بر اساس تسلیح عمومی مردم، هر نوع نیروی مسلح حزبی و ملیشیای آنان را منحل میکند. سیستمی که برابری زن و مرد را در همه سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متحقق کند. جدایی دین از دولت را در عمل به اثبات رساند،

مقابله جویی و اراده مردم این منطقه و عقب نشینی به دستاوردهای تاکتونی آنها، نیازمند اتخاذ سیاستی آگاهانه، مسئولانه، جدی و سرنوشت ساز از جانب هر نیروی است که زندگی و آینده دستاوردهای شهروندان این نواحی برایش مهم است. پیش شرط حفاظت از دستاوردهای تاکتونی، رشد زندگی مدنی و فاصله گرفتن از سناریوهای سیاه قومی - مذهبی، در گرو اتحاد و هم سرنوشتی عمیق مردم این منطقه مستقل از هویت های کاذب قومی و دینی است. در حالیکه خاورمیانه در آتش سیاست قومی و نفاق مذهبی میسوزد، قد علم کردن هر حاکمیت و نیرویی علیه این سیاست کهنه پرستانه، شرط اساسی در بازگرداندن پیشروترین آرزوهای انسانی است. پاسداری از دستاوردهای مردم و گشودن درهای امید به سوی آینده ای انسانی که در آن آزادی های اجتماعی و

قدرت طبقه کارگر در حزب و تشکل اوست!

www.hekmatist.com
 سردبیر: فواد عبداللہی
 fuaduk@gmail.com
 تماس با حزب
 hekmatistparty@gmail.com